

نادرست از آن است: نایجا مردن. جان دادن در راه ایده‌ها را کاستیکا برادراتان درباره همین نگرانی سیمون وی نوشته است؛ علیه نایجا مردن وبی معنایی مرگ، سیمون وی گفته بود: «همیشه می‌ترسیدم که شکست بخورم، نه در زندگی‌ام، بلکه در مرگم.» او شکست نخورد و آن طور که می‌خواست مرده؛ یا به قول برادراتان در راه ایده‌اش جان داد. کتاب برادراتان درباره فیلسوفان شهید است؛ سقراط، توماس مور، هیباتیا، برونو، پاتو کاو... که شکل مرگ‌شان را انتخاب می‌کنند. فیلسوفانی که نوع خاصی از وجود فکری و اخلاقی را زندگی می‌کنند که آن‌ها را به وضعیتی تعیین کننده می‌رساند؛ این که باید یکی از دو مسیر بسیار متفاوت را برگزینند؛ یا از دیدگاه‌های شان برائت جویند و راه و روش شان را اصلاح و توبه کنند، یا بمیرند. اولی لزوماً به زندگی آزاد منجر نمی‌شود، ولی دومی قطعاً به مرگ می‌انجامد. پس این جا فیلسوف با انتخاب مردن مواجه است؛ مردن در راه فکر و باوری که برایش زندگی کرده‌است؛ آن طور که توماس مور مرده، آن طور که برونو سوزانده شد و آن طور که سقراط جام مرگ را سر کشید.

م. ش.

## معجزه ادبیات

× جهان مکتوب: چگونه ادبیات به تاریخ شکل داد؟/ مارتین پوکتر / علی منصور / نشر بیدگل / چاپ اول، ۱۳۹۹ / ۵۰۶ صفحه / ۹۸،۰۰۰ تومان

گوستاو فلور «تنها راه تحمل هستی را غرقه شدن در ادبیات» می‌داند. برای کسانی که ادبیات را تا این درجه دوست



می‌دارند، مرز زندگی و ادبیات آن چنان مشخص نیست. اما فراتر از این عده معدود، ادبیات با این سابقه دور و دراز چه تأثیری بر حیات بشر گذاشته است؟ آیا پدیده‌ای است صرفاً مایه سرگرمی؟ مارتین پوکتر در کتاب جهان مکتوب می‌کوشد شمه‌ای از تأثیر ادبیات در سیر تمدن و شکل‌گیری تاریخ را به دست دهد. به گمان او «متن‌ها، به‌ویژه متن‌های بنیادین شیوه‌نگریستن مابعد جهان را تغییر می‌دهند و نیز شیوه تأثیر گذاری بر تمدن چیزی نیست که بتوان با کمک ترازوی شیوه‌های خاص ریاضی اندازه‌اش گرفت، شاید بتوان با نقل داستان‌هایی عمیق این تأثیر را فهمید. این همان شیوه‌ای است که پوکتر در جهان مکتوب در پیش گرفته، پوکتر برای اندازه‌گیری بخش کوچکی از تأثیر ادبیات با روایتی مستند و داستان گونه‌شانزده‌متن بنیادین را انتخاب کرده و سرگذشت

شکل‌گیری و پدید آمدنندگان آن‌ها را به دست داده و هر کجا که آن متن راهی را نشان داده مورد اشاره قرار داده؛ ایلیدا، گیلگمش، کتاب مقدس، گنجی، هزار و یک شب، پوپول ووه، دن کیشوت، مایفست کمونیست، هری پاتر، سونجاتا و... او ضمن روایت داستان هر کتاب نشان داده که چطور این متن‌ها گاه امپراتوری یک پادشاه را تکوین بخشیده و گاه موجب تغییراتی در مناسبات اجتماعی شده، گاه اندیشه‌های فلسفی را اشاعه کرده و گاه باورهای مذهبی را به انسجام رسانده است. از روایت پرکشش کتاب که بگذریم، نویسنده منظور از «ادبیات» را دقیقاً مشخص نکرده. از عنوان فرعی کتاب «چگونه ادبیات به تاریخ شکل داد؟» این طور به نظر می‌رسد که تمام شانزده متن از گونه‌های ادبیات باید باشند. در واقع هم اغلب آن‌ها با کاملاً متنی ادبی محسوب می‌شوند (مثل دن کیشوت و آثار گوته) یا به دلیل وجوه ادبی شان می‌توان آن‌ها را ادبیات به حساب آورد (مثل آثار افلاطون). اما برخی از متن‌ها معلوم نیست که چرا به عنوان متنی ادبی طبقه‌بندی شده‌اند، مثل مایفست کمونیست.

م. ا.

## زبان برز گفتارهای گمنام

× واج‌شناسی شاهنامه: پژوهشی در خوانش واژگان شاهنامه / جلال خالقی مطلق / انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، با همکاری انتشارات سخن / چاپ اول، ۱۳۹۸ / ۶۷۳ صفحه / ۱۵۰،۰۰۰ تومان

چگونگی تلفظ واژه‌های شاهنامه همواره از چالش برانگیزترین مباحث مربوط به این حماسه بوده است.



شاهنامه پژوهان نسل‌های پیشین نیز اخلاف امروزی‌شان هر یک در خوانش واژه‌های کهن اثر فردوسی سبک و شیوه متفاوتی برگزیده‌اند. استاد دکتر خالقی مطلق در تازه‌ترین اثر خود، واج‌شناسی شاهنامه، به این موضوع پرداخته و با در نظر گرفتن پیشینه واژه‌ها و شکل متأخر تر آن‌ها نسبت به زمان سرایش شاهنامه، برای خوانش لغات کهن این کتاب شیوه‌ای یکدست پیش نهاده‌اند که کم‌وبیش گویای خوانش زمان فردوسی است. البته، چنان که ایشان خود در پیش‌گفتار کتاب یادآور شده‌اند، بنای نیست پژوهش در باب خوانش واژه‌های شاهنامه خواننده امروزی را به تغییر تلفظ‌های آشنا دارد. رأی نگارنده کتاب این است که حرکت گذاری متن شاهنامه بر پایه تلفظ زمان سرایش کتاب تا جایی رواست که دریافت واژه را بر خواننده

فارسی‌زبان امروزی دشوار نسازد. اما هر گاه که «خوانش سراینده» را به درستی نمی‌شناسیم یا حرکت گذاری آن واژه متن را از کالبد زنده آن دور می‌کنند، آبیاد از این کار کناره گیریم.» (ص. ۱۵)

کتاب با بهره‌گیری از تلمیحی شایسته، با یاد فریتس ولف آغاز می‌شود، اوستاشناس و شاهنامه پژوه آلمانی که بنیادگذار روش علمی واژه‌نامه‌نویسی برای شاهنامه به شمار می‌آید و در زمان حکومت نازی‌ها بر آلمان، به تیغ دژخیمان گرفتار آمد.

واج‌شناسی شاهنامه را می‌توان اثری هم تحلیلی و هم توصیفی دانست. مدخل‌های این کتاب از یک سو شواهدی متقن را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر، بر پایه داده‌های یادشده و استدلال‌هایی مبتنی بر آن‌ها، در باب خوانش محتمل تر واژه در شاهنامه پیشنهادی ارائه می‌کنند. بنا بر درآمد کتاب، منابع اصلی پژوهش عبارت‌اند از متون پارسی میانه، پهلوی اشکانی و پارتی مانوی؛ و نیز پنج متن کهن فارسی. برخی واژه‌ها در دست‌نویس این کتاب‌ها حرکت گذاری شده‌اند و کتابت همه آن‌ها در سده پنجم هجری انجام شده است. کتاب از شواهد برخی متون دیگر نظم و نثر سده‌های چهارم و پنجم هجری نیز بهره برده است که البته به سبب کتابت جدیدتر یا تاریخ کتابت نامعلوم، در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

روش پژوهش در گام نخست، مبتنی است بر دو دوره زمانی مختلف که با فاصله زمانی اندک، پیش و پس از شاهنامه جای گرفته‌اند: نخست صورت هر واژه در زبان فارسی میانه که گاه گونه پهلوی اشکانی و مانوی آن نیز ذکر شده و «هر مورد نام کسان، گاه ریخت اوستایی و این جا و آن جا، ریخت پارسی باستان نیز آورده شده است.» (ص. ۲۱) دوره دوم نیز بر پایه پنج دست‌نویس فارسی یادشده شکل گرفته است. البته گاه صورت فارسی میانه یا پهلوی اشکانی یک واژه در دست نیست یا خود واژه اساساً در دست‌نویس‌های پنج‌گانه نیامده است. بدین ترتیب «خوانش واژه‌ها در این دو دوره، در کنار توانش قافیه در خود شاهنامه، مهم‌ترین ملاک و دستمایه ما در تعیین خوانش احتمالی یا حتمی واژگان شاهنامه است.» (ص. ۲۱) در هر مدخل کتاب، پس از ذکر خوانش واژه در زبان‌ها و متن‌های یادشده، وضعیت آن واژه در شاهنامه بررسی می‌شود. نخست بنا بر فرهنگ ولف، شمار کاربرد واژه در شاهنامه ذکر می‌شود که البته نمایانگر آماری تقریبی است؛ و سپس رأی نگارنده در باب خوانش واژه می‌آید، به اضافه سازگاری یا ناسازگاری آن با خوانش فرهنگ ولف و نیز شواهدی از متون کهن دیگر.

مدخل‌های ذکر شده در کتاب طبعاً همه واژه‌های شاهنامه را در بر نمی‌گیرد، زیرا خوانش بسیاری از واژه‌های کتاب فردوسی

بر هر فارسی‌زبانی آشکار است. از همین رو اثر دکتر خالقی عملاً واژه‌هایی را شامل می‌شود که بر سر تلفظشان پیوسته اتفاق نظری وجود نداشته باشد. نگارنده در درآمد کتاب خاطر نشان کرده‌اند که گر چه معنی واژه‌ها و شرح اعلام نیز ذیل هر مدخل آمده، گفت‌وگوی بیش تر بر سر چندو چون آن‌ها از چهار چوب پژوهش حاضر بیرون است. در پایان کتاب هم یک نمایه القابلی بسیار سودمند آمده که تمام واژه‌های کتاب و شماره هر مدخل را در برمی‌گیرد. برای یادداشت‌های کتاب نیز نمایه جداگانه‌ای فراهم آمده است تا دسترسی به توضیحات نگارنده ذیل برخی مدخل‌ها آسان کند.

نگارنده در تألیف این کتاب و نیز در اغلب آثار پیشین خود، برای بسیاری از اصطلاحات رایج در مباحث زبانی و دستوری و بلاغی فارسی و نیز برخی واژه‌ها عمومی، معادل‌های نوینی به کار برده که رفته رفته به مجموعه‌ای کامل و منسجم بدل شده‌اند. در کتاب واج‌شناسی شاهنامه اغلب این اصطلاحات توسعه یافته در خدمت درون‌مایه متن هستند و خواننده‌ای که برای نخستین بار به آن‌ها بر می‌خورد، از مضمون سخن نویسنده به آسانی به معنا و کاربرد دشان بی می‌برد. برخی از این واژه‌ها عبارت‌اند از نمودار درونه (فهرست مطالب)، آبشخور (کتابنامه)، واو/ یای روشن (واو/ یای معروف)، واو/ یای تاریک (واو/ یای مجهول)، بستن (قافیه کردن)، بسته شدن (قافیه شدن)، همبسته (ترکیب) و بسیاری اصطلاحات دیگر. به علاوه، دکتر خالقی ضمن یادداشت‌های خود در شرح برخی تحولات لغوی، به مبحث واژه‌گزینی و پیشنهاد برخی واژه‌ها نیز نظری داشته‌اند، از جمله دو واژه کهن خدیو و خدیش که گویادر سده‌های گذشته درست در معنی آقا و خانم امروزی به کار می‌رفته‌اند (ص. ۲۵۰).

نگارنده خود در درآمد کتاب تعیین خوانش واژه‌های شاهنامه (به همان شکل که خود سراینده می‌خوانده) را «یکی از بایسته‌ترین خوششکری‌های پژوهش‌آیند» متنی «نامیدند» (ص. ۱۷). البته فقدان متونی معاصر با شاهنامه که یکسره حرکت گذاری شده باشند دستیابی به خوانش دقیق زمان فردوسی را بسیار دشوار ساخته است، اما با بهره‌گیری از منابع موجود می‌توان به خوانش احتمالی روزگار شاعر و در باب برخی واژه‌ها، به خوانش حتمی آن دوران دست یافت. دکتر خالقی اغلب خوانش‌های خود را با قید «محتمل»، «محتمل تر» و «نزدیک تر» در کتاب آورده‌اند و این نکته هم گویای دقت نگارنده است و هم نشان پیچیدگی موضوع کتاب. بی‌گمان انتشار این اثر می‌تواند آغازگر شیوه‌ای نوین در شناخت واژه‌های شاهنامه و نیز راهگشای پژوهش‌های بیش تر در این باب باشد.

علیرضا اسماعیل پور